

■ ایستاد: هسولواتی که در ساختمان‌های مجلل می‌نشینند از دستان بی‌بیمتست کشاورزان خبر ندارند. حمایت از تولید هم‌پارتناری شده، اگر نه هم‌پارتناری، تسهیلات تولید بهم می‌داند! شرایط مناسب کشاورزی برای کشاورزان خرمدستان چیست؟ همه سنگ‌ها برای پای لنگ است. از کشاورزی راضی نیستیم؛ یعنی می‌کارم، چرا نباید همه کشاورزان از تسهیلات بیمه‌ای-آزادشناسی استفاده کنند و گزینشی به بعضی کشاورزان کمک می‌کند؟ در کشاورزی هم از سرمایه‌داران زندگی می‌شود اگر بهای زمین را در بانک بگذارم زندگی‌ام می‌گذرد چرا در زمینی تابستان و سرمای زمستان به سختی کوشش کنم و ثمره تولیدم روی درختان می‌ماند. خادوند به کفرانه این نعمت، برایای خشکسالی می‌کند و سرمایه‌داری را کند می‌نزد. در فرزندمان ما را به سخره می‌کنند و حاضر نیستند ما را با الامه هاند. ما که کشاورزان چشم‌مان به آسمان باشد و گوش‌مان به دنبال شنیدن خبرهای آسمان به مشغول شدن و دعوا!

کشورمان است؛ کشوری که پنجمین بزرگ جهان در تنوع قلمبلی را داشته و همه نوع محصول گیاهی، زراعی، گل و گیاهان تراریخته و دارویی، صیفی و سبزی و ... تولید می‌شود اما به دلیل کافی نبودن حمایت‌ها و نبود توجه به نیازهای این بخش، تعداد آنها همچون درامدشان روز به روز کاهش می‌یابد یکی از انگارانی تریز درباره شرایط تولید می‌گوید: تمام سرمایه‌های کشور یک باغ میوه است و حوالی یک این باغ چندین میلیون دلار است و اغلبی به ضرورت بلندمدت تولیدی محصول می‌شود، افتد ارزش میوه و محصول به ثمر نرسد آن پایین هست و بازارهای خارجی روستاهایمان از میوه‌های وارداتی اشباع است که میوه‌های ما جایگاهی برای فروش ندارد و حتی از زری میوه‌ها هم چیده نمی‌شود و در حالی که وزیر جهاد کشاورزی به منظور عرضه مستقیم محصولات کشاورزی از بازار غرقه‌ای تاون روستایی یک بار داده و گفته است: این میوه‌ها را بکشید، اما مشکلات بازار سال گذشته،

داشتیم و کمترین اعتراضات وجود داشته و تولید کنندگان نتوانستند محصولات خود را به قیمت مناسب عرضه کنند. این باغدار تابستان اسسال مجبور شده محصول هلو خود را یک کیلویی ۲۰۰ تومان به کارخانه ها بفروشد و محصول آلو را به لیلیال نبود مشتری در سرحانه این استان هر کرده است. می گویند: سرحالاری که در افراره و ساخمان های مجلل شسته اند، در گرمای تابستان و سرمای زمستان را حس نکرده اند، از دستان بینیمسته کشاورزان خبر ندارند و می توانند مشکلات کشاورزی را در کن

سجاد قدیرزاده*

رشد نقدینگی در ایران
منبع: بانک مرکزی

سال	نقدینگی (ریال)
1358	~100,000,000,000
1360	~100,000,000,000
1362	~100,000,000,000
1364	~100,000,000,000
1366	~100,000,000,000
1368	~100,000,000,000
1370	~100,000,000,000
1372	~100,000,000,000
1374	~100,000,000,000
1376	~100,000,000,000
1378	~100,000,000,000
1380	~100,000,000,000
1382	~100,000,000,000
1384	~100,000,000,000
1386	~28,000,000,000,000

شرایطی را در سال‌های اخیر گوشزد کرده بودند. اما متولیان اقتصادی به جای تلاش در جهت کنترل این میزان نقدینگی و ایجاد بستری مناسب تولید با تصمیماتی از قبیل کاهش سود سپرده‌های بانکی، بی توجهی به فرآیند تولید، عدم شفافیت در اعطای تسهیلات بانکی و عدم پاسخگویی بانک مرکزی در قبال سیاست‌های پولی به میزان و شدت این پول در بازارهای مالی کشور افزوندد. نباید فراموش کرد که مشکلات فعلی ما در بازارهای ارز و طلا ریشه در تصمیمات جوانانه و ناکامیت گذشته دارد. در شرایط فعلی نیز به جای تغییر رویه و اتخاذ سیاست‌های بلندمدت و پاینده به برنامه‌های پنجم توسعه و چشم‌انداز ۲۰ساله، باز هم شاهد تصمیمات کوتاهمدت خصوصا در بازار ارز هستیم.

می‌شود در مقالاتی جداگانه به طور کامل به بررسی روند حرکتی تکت ب بازارهای ارز، طلا و بورس پرداخت و روند سیاست‌های ناکارآمد را آن نشان داد ولی نباید فراموش کرد که کشور در عرصه اقتصادی دارای مدیریت روزمرگی شده و نتیجه آن را در پی ثباتی بازارهای مالی کشور می‌توان دید و بانک مرکزی با تصمیمات تهاجمی خود در حوزه ارزی باز هم نشان داد که به رویه گذشته خود پایبند است!

(داده‌های نمودار از طرف بانک مرکزی از سال ۵۸ تا ۸۷ است- داده‌های جدید در دو سال اخیر منتشر نشده است-)

*کارشناس ارشد اقتصاد

نگاهی به روند رشد نقدینگی، بدون توجه به ساختارهای اقتصادی

حراج پول، کار دست اقتصاد داد

سجاد قدیرزادہ*

بین‌المللی پول، رشد نداشته است پس این میزان رشد آیا جز با وجود مازاد تقاضا و گردش کاذب پول در این بازارها حاصل شده است؟ در بازار سکه و طلا در کشور با رشدهایی بیش از بازارهای جهانی مواجه می‌شویم که نشان از تقاضای مازاد نیاز کشور است که باز هم ردپای این حجم سنگین پول در این بازار به چشم می‌خورد.

در بازار از زیر برخاف استراتژی بانک مرکزی در کنترل قیمت از سه سناریو اخیر -خصوصاً در شش ماه گذشته- با وجود عرضه‌های سنگین بازار هم توان پاسخگویی تقاضای بازار را نداشته و عملاً از کنترل بازار عاجز مانده است و تنها با افزایش قیمت سعی در متعادل کردن بازار را دارد، چراکه بخشی از تقاضای این ارزها را برای سرمایه‌های گدازری به امید افزایش قیمت تقاضا کرده‌اند، نه فعالیت اقتصادی. به طوری که از ابتدای اسامیل تاکنون ۱۲ درصد از ابتدای ۸۵ تاکنون نزدیک به ۳۵ درصد افزایش قیمت در دلار داشتیم، این در حالی است که در طول سه سال قبل از آن (۸۶-۸۹) کمتر از ۱۲ درصد تغییر در قیمت از دلار داشتیم که این این نظمی در سه سالهای اخیر کاملاً بقیه بوده است، چند خنثی شدن از عدم توانایی بانک مرکزی در کنترل این شرایط عملاً قابل پیش بینی بود.

با نگاهی اجمالی به این سه بازار به وضوح رد پای این حجم سنگین نقدینگی در سال‌های اخیر را می‌توان دید. این پدیده در حالی رخ داد که اقتصاددانان زیادی بارها بروز چنین

نقدیگری در کشور شد. به گفته بهمنی، رئیس بانک مرکزی
حجم نقدیگری در ابتدای سال ۹۰ حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان
بوده است که با توجه به بودجه انبساطی اسمال، این مبلغ در
برخی اوقات بسیار بالاتر از این است. دیروز نیز رئیس کل بانک
مرکزی این موضوع را تأیید کرد و از نقدیگری ۲۲۰ هزار میلیارد
تومانی خبر داد.

با این پیشینه در روند حرکت نقدیگری در ایران خصوصاً
در سال‌های اخیر، جای طرح سؤال‌هایی است که آیا رشد
بخش‌های اقتصادی با پول مهربان بود؟ آیا بیشتر‌های
مناسب برای این میزان پول در کشور مهیا شده بود؟

با بررسی آماری در حوزه‌های مختلف کشوری می‌توان تا
حدی به این سؤال‌ها پاسخ داد. در سال‌های اخیر، بازار تولید
کشور با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم کرده، از تحریم‌های
بین‌المللی گرفته تا عدم اتلاز از وضعیت یارانه بخش تولید،
همگی گواهی این ادعاست که این حجم سنگین نقدیگری چندان
تأییدی برای ورود به عصر پروسس و کمبود تولید ندارد، پس
طبیعی است که این حجم سنگین نقدیگری به بازارهای مالی
طبیعی از جمله بورس، طلا و ارز سرازیر شود. در پی دو سال
اخیر هر سه این بازارها با ناطلم‌های فراوان روبرو شدند.

در بورس با نگاهی اجمالی می‌توان به رشد ۲۰ درصدی شاخص کل در سال جدید اشاره کرد، در حالی که اقتصاد کشور هرگز حتی یک‌دهم این میزان هم طبق گزارش صندوق

در ۵ محور اصلی

تخلفات یارانہ‌ای دولت به صحنہ مجلس می‌رود

ماده «۸» قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، دولت باید ۳۰ درصد از منابع حاصل این قانون را به بخش تولید اختصاص می‌داد که در سال ۸۹ این میزان برابر با ۲۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال بود که باید به بخش تولید در قالب کمک‌های بلاعوض، یارانه سود تسهیلات یا وجوه ارائه شده پرداخت می‌شد که اقدامی از طرف دولت صورت نگرفته است. وی ادامه داد: تا تاریخ ۱۲ مهر سال ۹۰ نیز که مرحله هشتم پرداخت یارانه نقدی به خانوارها بوده است، از باب ۲۰ درصد تعیین‌شده جهت بخش تولید مندرج در قانون بودجه سال ۱۳۹۰ تاکنون باید مبلغ ۴۳ هزار و ۷۹۰ میلیارد ریال از منابع حاصل از اجرای این قانون به تولید اختصاص پیدا می‌کرد که اقدامی انجام نشده و در حال حاضر بدهی دولت به بخش تولید از محل منابع حاصل از اجرای این قانون جمعا به ۷۸ هزار ۲۹۰ میلیارد ریال رسیده است. کاتوزیان گفت: همچنین طبق مصوبه سال ۸۹ هیات وزیران و بند ۴۷ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ تمامی شرکت‌های دولتی ارائه‌دهنده کالا و خدمات موظفی هستند درآمدهای خود را به حساب‌های خزانه واریز تا طبق احکام و مقررات قانونی فی‌مابین ذی‌نفعان تقسیم شود که از این باب خزانه علاوه بر عدم تعیین تکلیف علی‌الحساب‌های پرداختی این شرکت‌ها، نسبت به بازپرداخت سهم این شرکت‌ها در موعد مقرر اقدام نکرده که این عمل سبب اختلال در امر خدمت‌رسانی این شرکت‌ها بلااخص شرکت‌های وابسته به وزارت نیرو به مردم خواهد شد.

این گزارش قرار است طبق ماده «۳۳» آیین نامه داخلی مجلس به رای نمایندگان مجلس گذاشته شود و در صورت رأی مثبت نمایندگان به آن به قوه قضاییه ارجاع شود. ماده «۳۳» آیین نامه داخلی مجلس تصریح دارد: هرگاه حداقل ۱۰ نفر از نمایندگان یا هر کدام از کمیسیون‌ها، عدم رعایت شئونات و نقض یا استتکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رئیس جمهور، وزیر یا مسوولان دستگاه‌های زیرمجموعه آن اعلام کنند، موضوع بلافاصله از طریق هیأت‌تاریخ جهت رسیدگی به کمیسیون‌های ذی ربط ارجاع می‌شود. کمیسیون حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز موضوع را رسیدگی و در صورت وارد بودن با اظهارنظر صریح، گزارش خود را از طریق هیأت‌تاریخ به مجلس ارائه می‌کند. براساس تبصره این ای ماده چنانچه رئیس مجلس بر تأیید گزارش باشد، موضوع جهت رسیدگی به قوه قضاییه و سایر مراجع ذی صلاح ارسال می‌شود. تا خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی رسیدگی شود. براساس تبصره دو نیز در صورتی که مجلس در مورد رئیس جمهور یا هر یک از وزیران سه نوبت رأی به وارد بودن گزارش بدهد، طرح استیضاح در صورت رعایت فاصل امدت «۸۹» قانون اساسی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

تخلف دولت در اجرای قانون هفدهم‌سناسازی یارانه‌ها و اجرای سلیقه‌ای این قانون موجب شد تا کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تخلفات دولت در هفدهم‌سناسازی یارانه‌ها را حمله استقراض از بانک مرکزی در سال ۸۹ و عدم بازپرداخت آن، عدم پرداخت سهم بخش تولید و استفاده از یارانه برای برق پرداخت یارانه به خانواده‌ها را طبق ماده «۲۳۲» آیین‌نامه داخلی به صحن مجلس گزارش کند. حمیدرضا کاتوزیان با اعلام این خبر به مهر گفت: کمیسیون انرژی پس از بررسی نحوه اجرای قانون هفدهم‌سناسازی یارانه‌ها در راستای بد نظارتی، قصد دارد تخلفات دولت در اجرای این قانون را به مجلس گزارش کند. وی گفت: این گزارش در راستای ماده «۲۳۲» آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تهیه می‌شود و در صورت رای مجلس به گزارش کمیسیون، موضوع برای رسیدگی به قوه‌قضاییه ارجاع خواهد شد. رئیس کمیسیون انرژی مجلس تصریح کرد: طبق گزارشاتی که از دستگاه‌های اجرایی دریافت شده، اجرای این قانون تاکنون سبب کاهش رشد مصرف و همچنین صرفه‌جویی در استفاده از حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات مشمول یارانه شده است، اما در نحوه اجرای قانون تاکنون شکایاتی وجود داشته که دولت باید هرچه سریع‌تر نسبت به رفع این نواقص اقدام کند. به گفته وی دریافت ۵۰ هزار میلیارد ریال از بانک مرکزی در سال ۸۹ به عنوان تسخواه، دریافت ۳۰۰۰ میلیارد ریال دریافتی از محل فروش نفت-حاصل صادراتی از سال ۱۳۸۹، استفاده از ۴۰۳ هزار میلیارد ریال بودجه عمومی دولت بابت رایان برق در سال ۸۹ و ۹۰ برای پرداخت نقدی به خانوارها، عدم پرداخت ۲۰ درصد و ۳۰ درصد سهم بخش تولید در سال‌های ۸۹ و ۹۰ و عدم پرداخت سهم پرداختی شرکت‌های دولتی ارایه‌دهنده کالا و خدمات، تخلفات دولت در اجرای قانون هفدهم‌سناسازی یارانه‌هاست. کاتوزیان خاطرنشان کرد: تسخواه دریافتی بیش از سقف قانونی دریافت شده و برخلاف حکم ماده «۱۳» قانون هفدهم‌سناسازی یارانه‌ها و تعهد وزیر اقتصاد و دارایی از محل منابع حاصل از اجرای قانون تا پایان سال ۸۹ مستهلک نشده است. گفتنی است با توجه به اعلام رسمی خزانه، این وجوه ماهیتی تسخاتی ندارند، بنابراین، این تسخواه استقراض بوده که معیار بند ب ماده «۲۳» قانون ۸۹، برای چهارم است که با توجه به پیگیری‌های انجام شده تا پایان شهریور سال جاری ۱۲ هزار میلیارد ریال آن از محل وجوه حاصل از افزایش قیمت‌ها تسویه شده است. وی ادامه داد: طبق جز جز بند «۴» قانون سال ۱۳۸۹ کل تسخواه و ماده «۷» مصوبات هیات‌مجلس استقراض یارانه برق باید به مصرف مبالغه‌تفاوت قیمت تکلیفی و آزاد برق و همچنین سوخت نیروگاه‌ها می‌رسد، اما

نیاز به درمان تهدید اشتغال

وحید شقاقی شہری^{*}

■ قبل از شروع بحث یاد جمله‌ای از افلاطون افتاد که وقتی تامل کنیم نکته بسیار عمیقی دارد. افلاطون می‌گفت بیکار لزوماً کسی نیست که کار ندارد؛ آن کس که باید به کار بهتری براساس تخصص و تجربه خود مشغول باشد ولی نیست آن به کار بهتری نمی‌شود. در واقع اشاره افلاطون به داشتن کار متناسب با تخصص و تجربه و بهتر بگویم بهره‌وری عمل نیروی کار است. اگر به وضعیت فعلی کشور نگاه شود، مشاهده می‌شود تا توسعه نظام علمی در کشور، سطح تحصیلات در بین عموم جوانان افزایش یافته و سالانه شاهد افزایش قابل توجهی از جوانان تحصیلکرده جوانی کار هستند؛ این طرف کار که همانا توسعه علمی و گسترش کمی تعداد دانشگاه‌ها و مراکز علمی است بحث درخورد و مناسبی است. البته در جای خود نیاز به بحث و بررسی عمیقی کفایت چراکه در کنار رشد کمی کار کار علمی، توسعه کیفی این مهم غفلت جدی شده است که به نظر بنده از این مهم غفلت ناشی از توسعه کیفی نظام علمی و آموزشی نیازمند الزامات خاص خوداست که می‌تولید در جای دیگری به صورت کامل آسیب‌شناسی شود. در اینجا باید بنده بپرسان به مقوله اشتغال جوانان در تحصیلکرده بنده در این رابطه است که آیا نظام علمی و دانشگاهی کشور متناسب با شرایط بازار کار کشور است؟ آیا آموزش‌های آرایه‌شده در دانشگاه‌ها و مراکز علمی برای ورود جوانان تحصیلکرده به بازار کار مفکی است؟ آیا برنامه‌ای برای جذب و به‌کارگیری بهینه سرمایه‌های انسانی کشور وجود دارد؟ آنچه فعلاً به نظر بنده مشاهده می‌شود وجود حلقه مقهورده‌ای بین نظام علمی و آموزش با بازار کار است. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی منسجمی برای بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌های انسانی کشور مشاهده نمی‌شود. و شاهد خیل عظیمی از سرمایه‌های انسانی هستند که در مشاغل غیر تخصصی به کار گماشته شده‌اند و شاید یکی از دلایل کاهش بهره‌وری عامل نیروی کار در کشور نیز همین مساله باشد. بحث دیگر در اشتغال جوانان تحصیلکرده، عدم کسب آموزش‌های کاربردی برای ورود به بازار کار است. به نظر بنده نظام علمی کشور هنوز نتوانسته در کنار آرایه دانش مهارت‌های لازم و مفکی را به جوانان تحصیلکرده آموزش دهد و آنها را برای اشتغال در بازار کار واقعی کشور مهیا کند. بحث بعدی در برنامه ملی و شفاف برای جذب و به‌کارگیری بهینه سرمایه‌های انسانی است. شاید وابستگی کشور به منابع طبیعی به‌ویژه درآمدهای سرشار نفتی موجب شده که از عزم جدی برای ورود غافل باشیم. همین امر سرمایه‌های انسانی موجود درباری بهینه از منابع و سرمایه‌های کشور که بعد از سال‌ها صرف سرمایه ملی برای آرایه آموزش و دانش به جوانان کشور، نتوانی از تخصص آنها آن گونه که باید و شاید بهره‌برداری کنیم. لذا خروج نیروهای تحصیلکرده از کشور و به عبارت دیگر فرار مغزها امری طبیعی است چراکه اشتغال کلیدی‌ترین ظرف فرآوری سرمایه‌های انسانی است. در واقع مشاهده می‌شود که ارتباط بین نظام علمی و بازار کار گسسته شده و هیچ گونه هماهنگی و ارتباط منسجمی بین این دو مشاهده نمی‌شود. نظام آموزشی و علمی کشور پاسخگوی بیکاری جوانان تحصیلکرده نیست و تنها هدف خود را آرایه آموزش، آن هم به نظر بنده آموزش غیر کارآوردی جوانان می‌داند. از طرف دیگر بازار کار نیز آرایه جوانان خیل جوانان تحصیلکرده را ندارد و از سوی دیگر پاسخگوی جذب و به‌کارگیری بهینه آنها نیز نیست. در این بین آنچه مشاهده می‌شود جوانان تحصیلکرده است که بعد از اتمام تحصیلات، جوانی کار متناسب با تخصص و تجربه خود هستند ولی بازار کار تمهیدی به این مساله ندارد و اصولاً توان جذب آنها را نیز ندارد چراکه برای توسعه بازار کار و افزایش تقاضای نیروی کار نیازمند افزایش تولید و سرمایه‌گذاری هستیم و این امر نیز نیازمند عوامل متعددی است که هنوز مشکلات عدیدهای فراروی توسعه سرمایه‌گذاری در کشور وجود دارد و روزبه‌روز به جای پرداختن به حل این مسایل و مشکلات، بر افزایش مشکلات توسعه بخش خصوصی افزوده می‌شود. در پایان باید بگویم که عدم تدوین برنامه مشخص و منسجم در جذب سرمایه‌های انسانی موجب شده که مسایل و معضلات جدی در کشور به وجود آید که اگر چاره‌ای اندیشیده نشود بحران بزرگی در پیش خواهد بود. بیکاری جوانان تحصیلکرده رو به گسترش است و طی سال‌های اخیر این مساله حتی به نیروهای با تحصیلات عالیه نیز تعمیم داده شده است. بی‌اخلاقی در بازار کار، توان ناپایز بازار کار، موجود در کشور برای جذب سرمایه‌های انسانی، افزایش عرضه نیروی کار و فقر تقاضای نیروی کار و بدید امسال مساله اضافه عرضه نیروی کار که موجب افت شدید دستمزدهای نیروی کار شده است، نبود تخصص‌های لازم نیروی تحصیلکرده برای ورود به بازار کار، عدم امنیت و ثبات شغلی، نبود حمایت‌های مفکی از نیروی کار توسط ارگان‌های دولتی، افت سطح سرمایه‌گذاری و تولید بخش خصوصی و تعاونی به رغم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، گسترش انحرافات در بخش‌های اقتصادی و نبود فضای رقابتی در بازار کار و تولید و دیگر مسایل موجود همه و همه موجب شده به جای فرصت بهره‌برداری از خیل عظیم جوانان تحصیلکرده این مساله تبدیل به تهدید و بحرانی جدی شود که اگر چاره‌ای اندیشیده نشود در آینده قابل جبران نخواهد بود.

* دکترای اقتصاد و استاد دانشگاه

